



نامه‌های هنینگ و تقی زاده

به کوشش

ایرج افشار، تورج دریایی

ترجمه

مهناز بابایی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Scholars and Humanists: Iranian Studies in W. B. Henning and S. H. Taqizadeh
Correspondence, Costa Mesa, Calif.: Mazda Publishers, 2009.



- | | |
|---------------------|--|
| سرشناسه | افشار، ایرج، ۱۳۰۴-۱۳۸۹، گردآورنده Afshar, Iraj |
| عنوان و نام پدیدآور | نامه‌های هنینگ و تقی‌زاده/به کوشش ایرج افشار، تورج دریایی؛ با همکاری پانته‌رنجبر محمدی؛ ترجمه دکتر مهناز بابایی. |
| مشخصات نشر | تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۱. |
| مشخصات ظاهری | ۳۹۴ ص. |
| فروست | مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی موقوفات دکتر محمود افشار؛ ۳۲۱. گنجینه کلیات و مقالات؛ ۸۲. |
| شابک | ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۶-۴۹-۹ |
| وضعیت فهرست‌نویسی | فیبیا. |
| یادداشت | Scholars and Humanists: Iranian Studies in W. B. Henning and S. H. Taqizadeh Correspondence. |
| یادداشت | نمایه. |
| عنوان دیگر | مطالعات ایران‌شناسی در مکاتبات هنینگ و تقی‌زاده. |
| موضوع | هنینگ، والتر بریونو، ۱۹۰۸-۱۹۶۷ م. -- نامه‌ها. |
| موضوع | Henning, W. B. (Walter Bruno) -- Letters |
| موضوع | تقی‌زاده، سیدحسن، ۱۲۵۷-۱۳۴۸. -- نامه‌ها. |
| موضوع | Taqizadah, Hasan -- Letters |
| موضوع | فارسی -- راهنمای آموزشی -- تاریخ -- اسناد و مدارک. |
| موضوع | Persian Language -- Study and Teaching -- History -- Sources |
| موضوع | ایران -- تاریخ‌نویسی -- مآخذ. |
| موضوع | Iran -- Historiography -- Sources |
| موضوع | ایران -- تمدن -- راهنمای آموزشی -- تاریخ -- اسناد و مدارک. |
| موضوع | Iran -- Civilization -- Study and Teaching -- History -- Sources |
| شناسه افزوده | دریایی، تورج، ۱۳۴۶-، گردآورنده. |
| شناسه افزوده | رنجبر محمدی، پانته‌آ. |
| شناسه افزوده | بابایی، مهناز، ۱۳۵۸-، مترجم. |
| رده‌بندی کنگره | DSR1۴۸۶ |
| رده‌بندی دیویی | ۹۵۵/۰۸۲۰۹۲ |
| شماره کتابشناسی ملی | ۸۸۲۵۲۳۷ |

نامه‌های هنینگ و تقی‌زاده



به کوشش



ایرج افشار، تورج دریایی

با همکاری



پانته آرنجبر محمدی

ترجمه



مهناز بابایی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۸۲]

گنجینه کلیات و مقالات



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح‌الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفاپی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



نامه‌های هنینگ و تقی‌زاده



به کوشش	ایرج افشار، تورج دریایی
با همکاری	پانته‌آرنجبر محمدی
ترجمه	مهناز بابایی
ویراستار	پژمان واسعی
گرافیسٲ، طراح و مجری جلد	کاوه حسن‌بیگللو
صفحه‌آرا	نرگس عباسپور
لیتوگرافی	صدف
چاپ متن	آزاده
صحافی	فرد
تیرواژ	۲۲۰۰ نسخه
چاپ اول	۱۴۰۱

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی‌عصر، بالاتر از پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیر سیافی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۴۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۴۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هریک از این پنج مقام) (طبق ماده ۳ و قننامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - دبیر)
سید محمود دعایی (نایب رئیس شورا) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیئت مدیره) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس هیئت مدیره)
دکتر محمد افشین وفايي (مدیرعامل) - حمیدرضا رضایزدی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ابرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهرز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمدعلی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت‌نامهٔ دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمت‌های مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت‌نامهٔ دهخدا و محل مؤسسهٔ باستان‌شناسی به‌طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق مادهٔ دوم برای اجرای مفاد وقف‌نامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق مادهٔ ۳ موافقت‌نامهٔ نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیتهٔ انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی ادارهٔ امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیتهٔ نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

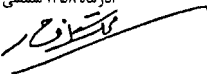
هفتم

چون نگارندهٔ این سطور به واسطهٔ کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها پردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همهٔ ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن‌که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولید بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاهشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزله باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لافافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبدا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

با یاد
عطیه تقی زاده



فهرست

۱۵ اشاره
۱۷ پیشگفتار
۲۳ مقدمه
۳۱	بخش نخست: نامه‌های هنینگ، ۱۷ ژوئیه ۱۹۳۷ تا ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۶ (شامل ۸۷ نامه)
۲۳۵	بخش دوم: نامه‌های تقی‌زاده، ۲۴ مارس ۱۹۴۲ تا ۲۴ اوت ۱۹۶۲ (شامل ۴۳ نامه)
۳۰۶ پنج نامه بدون تاریخ
۳۱۳ بخش سوم: پیوست‌ها
۳۱۵ تصاویر
۳۶۷ معرفی اجمالی بعضی اشخاص
۳۷۱ نمایه‌ها
۳۷۳ اشخاص باستانی و سده‌های نخستین بعد از اسلام
۳۷۵ اشخاص معاصر
۳۷۹ کتاب‌ها و مجلات
۳۸۱ مکان‌ها

اشاره

نزدیک ۲۵ سال پیش بود که من این سعادت را داشتم که مرحوم ایرج افشار را ملاقات کنم. سال اولی که به ایران بازگشته بودم و در خانه او در کوچه سروناز در حیاط نشسته بودیم، او نامه‌های سید حسن تقی‌زاده و والتر برونوینینگ را روی میز نهاد و گفت: «تورج با اینها چه کنیم؟» این بود آغاز همکاری ما درباره نامه‌هایی که تقی‌زاده در پاسخ به هنینگ نوشته بود و کار خوبی که کرده بود این بود که یک کپی از نامه‌های خود را نیز نگه داشته بود. خانم ایوت که امروز نیز در کنار تقی‌زاده در ظهیرالدوله خوابیده است، نامه‌ها را همه به ایرج افشار داده بود و اجازه چاپ آن را داشت.

کار ما نزدیک به پنج سالی طول کشید ولی بالاخره توانستیم آن را در فرنگ به چاپ رسانیم. اکنون پس از نزدیک به یک دهه به لطف خانم دکتر مهناز بابایی این نامه‌ها به فارسی ترجمه شده است و چه انتشاراتی بهتر از موقوفات دکتر محمود افشار که این کار را به چاپ برساند. از آقای دکتر محمد افشین‌وفایی جهت موافقت برای چاپ این کتاب متشکرم و امیدوارم با انتشار این کتاب

خدمات تقی‌زاده، کسی که مرحوم افشار ارادت خاص به او داشت، و داستان ایران‌شناسی در نیمی از قرن بیستم روشن‌تر شود.

تورج دریایی
ارولین، کالیفرنیا

پیشگفتار

از سال ۱۹۳۷ میلادی، چندین نامه دوستانه و علمی میان سید حسن تقی‌زاده (دانشمند و سیاستمدار ایرانی، متولد ۲۹ رمضان ۱۲۹۵ هجری قمری و متوفی ۸ بهمن ۱۳۴۸ هجری شمسی / مطابق با ۲۷ سپتامبر ۱۸۷۸ تا ۲۶ ژانویه ۱۹۷۰) و والتر برونو هنینگ (ایران‌شناس برجسته آلمانی، متولد ۲۶ اوت ۱۹۰۸ و متوفی ۸ ژانویه ۱۹۶۷) تبادل شده است. هنینگ به سبب فرار از فشارهای آلمان نازی در انگلیس زندگی می‌کرد. خوشبختانه تعدادی از این نامه‌ها در میان انبوه کاغذهای مختلف تقی‌زاده باقی مانده بود و توسط همسر آلمانی وی (ادیت/ عطیه) پیدا شده بود. برخی از آن نامه‌ها را آن بانوی مهربان به من سپرد. اما بسیاری از سایر اسناد و مدارک تقی‌زاده در طول سفرهای متعدد و اقامت طولانی مدت وی در شهرهای مختلف، از جمله تبریز، تهران، استانبول، برلین، پاریس، لندن و ایالات متحده آمریکا از بین رفته یا گم شده است. برخی از آنها نیز به سبب ملاحظات سیاسی یا از روی ترس، توسط همسرش سوزانده شده است. مکاتبات بین هنینگ و تقی‌زاده از منظر مبادلات علمی، که دغدغه اصلی

این دو دانشمند تراز اول (یکی غربی و دیگری شرقی) بوده، حاوی اطلاعات بسیار مفیدی در زمینه تخصصی مطالعات آنهاست. در عین حال، این نامه‌ها می‌توانند دریچه‌ای به سوی روش تحقیق، تفکر و استدلال آنها باز کنند. بدین ترتیب، من این اسناد را از انبوه نوشته‌های نامرتب مربوط به مسائل سیاسی و علمی برچیدم و آنچه را مربوط به این دو دانشمند تاریخ و فرهنگ ایران باستان بود، در سه قسمت تنظیم کردم و آنها را به ترتیب زمانی چیدم. از همان زمان، برای انتشار این نامه‌ها، به دنبال یک همکار متبحر و آگاه با تخصص در موضوعات مورد بحث و پژوهش در این زمینه بودم. متأسفانه سال‌ها گذشت و این کار مهم در میان دیگر کارهای ناتمام من دستخوش گرد و غبار زمان می‌شد. سرانجام، در سال ۱۹۹۹ میلادی، با دوست فرهیخته خود، تورج دریایی، متخصص تاریخ باستان ایران (استاد تاریخ ایران در دانشگاه اروین کالیفرنیا) درخصوص قصد خود برای انتشار این نامه‌ها سخن گفتم. علاقه اصلی پژوهش‌های دکتر دریایی مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران باستان است و من شاهد آن بودم که وی تا چه اندازه از آثار و نتایج علمی هنینگ استفاده کرده است. پس از آن در یکی از بازدیدهای دکتر دریایی از تهران، اصل نامه‌ها را به او نشان دادم. از آنجا که محتوای این نامه‌ها برای دکتر دریایی جالب و جدید بود، وی با اشتیاق پیشنهاد همکاری من برای ویرایش آنها را پذیرفت و وظیفه دشوار آماده‌سازی متن مکاتبات را بر اساس تصویر ۱۳۰ نامه انگلیسی که در اختیار او قرار داده بودم، بر عهده گرفت. سپس طی یک سال متن نامه‌ها را با دقت ویرایش و آماده انتشار ساخت. طی دو نوبت، کار او از لس‌آنجلس (از طریق فرزندانم) به دست من رسید تا بتوانم آن را از نظر بگذرانم و یادداشت‌هایی درباره

شخصیت‌های ایرانی که نام آنها در این مکاتبات ذکر شده است، تهیه کنم. برای این منظور، من جدولی از اسامی تهیه کرده‌ام و توضیحات مختصری نیز در آن گنجانده‌ام تا خواننده غیرایرانی بتواند هنگامی که هنینگ به نام ایشان اشاره می‌کند، به قدر کفایت در مورد این اشخاص اطلاعات کسب کند. این فهرست همچنین می‌تواند برای جوانان ایرانی که به موضوعات ایران‌شناسی توجه دارند مفید واقع شود، زیرا بسیاری از مقامات و افراد برجسته که نام آنها در این نامه‌ها ذکر شده ممکن است برای جوانان ایرانی ایران‌شناس نیز ناشناخته باشند. این کارها به تدریج انجام شد و در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۸۲ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۳)، نسخهٔ پیش از چاپ به دست من رسید. سپس پیوست‌های خود را به مجموعه اضافه کردم، کار را به پایان رساندم و قالب مورد نظر را آمادهٔ چاپ کردم. خوشبختانه اکنون این مجموعه ارزشمند به دست علاقه‌مندان رسیده است و باید یادآور شوم که دوست من، آقای نادر مطلبی کاشانی، سردبیر نامهٔ بهارستان (مجلهٔ بین‌المللی مطالعات و تحقیقات نسخه‌های خطی) در انتشار این کتاب تلاش بسیار کرده و ما را مورد لطف خود قرار داده است.

این مجموعه شامل سه بخش اصلی است:

الف) هشتاد و هفت نامه از هنینگ به تقی‌زاده، که از ۱۷ ژوئیهٔ ۱۹۳۷ شروع شده و تا ۲۲ ژوئیهٔ ۱۹۶۶ میلادی ادامه دارد، و بیشتر آنها به خط خود هنینگ نوشته شده است. دستخط او عمدتاً ریز و به‌سختی قابل خواندن است؛ در نتیجه، برخی از نامه‌هایی که خواندن آنها برای تقی‌زاده دشوار بوده توسط منشیان وی در مجلس سنا در صفحاتی جداگانه خوانده و تایپ شده است. برخی دیگر از نامه‌های هنینگ به دست خود او تایپ شده است.

در نامه‌های هنینگ، به موارد ذیل برمی‌خوریم:

۱. موضوعات علمی مربوط به فرهنگ و تاریخ ایران باستان، مانند تقویم‌های ایرانی، آیین مانویت و دوران زردشت؛
۲. روند نگارش فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، فرهنگ زبان خوارزمی و شرکت در کنفرانس کتیبه‌های ایرانی؛
۳. اطلاعات مربوط به زندگی شخصی وی، مانند سفر به استان فارس و برخی شکایات، سفر به آمریکا به دعوت دانشگاه کلمبیا و مسئله دشواری اخذ ویزای سفر؛
۴. ذکر نام برخی از ایرانیان (اشخاص بزرگ مملکتی یا دانشجویان) که هنینگ در لندن با آنها در ارتباط بوده است؛ همچنین از جمله توصیه‌های وی درخصوص مجتبی مینوی تا به عنوان استاد دانشگاه تبریز در نظر گرفته شود، یا آنچه در مورد دانشجویان ایرانی خود مانند احسان یارشاطر یا یحیی ماهیار نوابی ذکر کرده است.

ب) چهل و سه نامه از تقی‌زاده به هنینگ، که از ۲۴ مارس ۱۹۴۲ شروع شده و تا ۲۴ اوت ۱۹۶۲ میلادی ادامه دارد. برخی از این نامه‌ها مربوط به زمان اقامت تقی‌زاده در لندن است و چون در آن دوره تقی‌زاده سفیر ایران بوده و به دبیران شخصی دسترسی داشته است، طبیعتاً تمام این نامه‌ها تایپ شده هستند. اما آن دسته از نامه‌هایی که از تهران به انگلیس یا ایالات متحده آمریکا فرستاده شده‌اند، بیشتر با مداد کم‌رنگ و با دستخطی بسیار ناخوانا نوشته شده و غالباً شامل ضریدرها و اضافاتی بین خطوط است. طبیعتاً، برای تورج دریایی که با قلم انگلیسی تقی‌زاده آشنا نبود، فهمیدن متن آنها بسیار دشوارتر از نامه‌های

هنینگ بود. در نتیجه، بازنگری کلماتی که قابل خواندن نبودند یا کم‌رنگ شده بودند، به من سپرده شد، زیرا من با سبک نوشتاری تقی‌زاده بیشتر آشنا هستم و با کمک امدادهای غیبی، پیشنهادهایی را به دریایی ارائه کردم. البته هنوز برخی کلمات ناخوانا وجود داشت که در متن با علامت [...] مشخص شده است. متأسفانه تمام نامه‌های تقی‌زاده در دسترس ما نیست. اگر روزی دسترسی به اوراق شخصی هنینگ امکان‌پذیر شود، ممکن است نامه‌های بیشتری از تقی‌زاده به دست آید.

ج) بیست و هشت سند (نامه، تلگراف، صورت‌جلسه) ارسال‌شده میان سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۵۵ میلادی که مربوط به تهیه و چاپ فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، «مجموعه کتیبه‌های ایرانی» و کتیبه سرمشهد که هنینگ خود وظیفه انتشار آن را بر عهده گرفته بوده است. طرح فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی از زمانی که تقی‌زاده سفیر ایران در لندن بود آغاز شده بود. در زمان نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، یعنی هنگامی که امور مالی کشور به هم ریخته بود، تقی‌زاده برای یافتن منابع مالی کافی جهت چاپ آن در لندن، تلاش بسیاری کرد که موفقیتی در پی نداشت. سرانجام، در زمان نخست‌وزیری فضل‌الله زاهدی به سال ۱۹۵۳ میلادی، کمکی از سوی هیئت دولت به این طرح شد. در هر صورت، این مجموعه اسناد تنها مدارک موجود از روند نگارش و تهیه این اثر منتشرشده است و ما هیچ اطلاعی از محل نگهداری نسخه اصلی دستنویس هنینگ نداریم. این گروه از اسناد به صورت عکسی در بخش پیوست قرار گرفته است. بیشتر نامه‌های این بخش شامل مکاتبات میان تقی‌زاده و مقامات دولتی، از جمله نامه‌های تقی‌زاده به دکتر محمد مصدق و پس از وی سبهد فضل‌الله زاهدی (در مقام

نخست‌وزیر ایران)، عبدالله انتظام (وزیر امور خارجه)، عیسی صدیق و محمود حسایی (وزیران فرهنگ) و علی سهیلی (سفیر ایران در لندن)، و پاسخ‌های آنهاست. این مجموعه همچنین شامل موارد زیر است:

۱. نمونه‌هایی از نوع مطالب و یادداشت‌هایی که هنینگ بر اساس آنها فرهنگ ریشه‌شناختی خود را می‌نوشته است. پیش‌تر که این نمونه‌ها را در میان اوراق تقی‌زاده پیدا کرده بودم، آنها را در مجله ایران‌شناسی: مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۵۰ [۱۹۷۱]، شماره ۶۱-۶۸) منتشر کردم، و بنابراین در اینجا دوباره منتشر می‌شود؛

۲. فهرستی بسیار کوتاه از نام افرادی که از آنها در نامه‌ها یاد شده است؛

۳. اسناد مربوط به دو طرح؛

۴. فهرست واژه‌ها به زبان‌های مختلف از جمله فارسی باستان، پهلوی (فارسی میانه)، فارسی نو و غیره. همچنین واژه‌های کلیدی در مورد موضوعات خاص ذکر شده در نامه‌ها که وظیفه تنظیم آنها بر عهده توریج دریایی بوده است.



بهترین اطلاعات مستند در مورد تحقیقات و کارهای هنینگ همان است که در نوشته ایلیا گرشویچ^۱ در مجلد یادنامه هنینگ آمده است. این یادنامه را مری بويس^۲ و گرشویچ در سال ۱۹۷۰ میلادی در لندن منتشر کردند. در همین کتاب، پس از شرح حال هنینگ، فهرست کاملی از نوشته‌های او گنجانده شده است.

ایرج افشار

سانتا مونیکا، آمریکا

هشتم بهمن ماه ۱۳۸۲

مقدمه

طی دیدارم از تهران در تابستان سال ۱۹۹۹ میلادی، ایرج افشار مجموعه‌ای از نامه‌های نوشته‌شده میان والتر برونو هنینگ، ایران‌شناس بزرگ، و سید حسن تقی‌زاده، دانشمند و دولتمرد برجسته ایرانی، را به من نشان داد. او از من پرسید که با این نامه‌ها چه کار می‌توان کرد و آیا آن‌قدر حائز اهمیت هستند که نسبت به چاپ آنها اقدام شود؟ من پس از بررسی این مکاتبات، به اهمیت آنها پی بردم، زیرا روشنگر برخی جنبه‌ها در رشته‌ای بود که در آن تحصیل کرده‌ام. در حالی که داستان‌های زیادی درباره ایرانیان و مستشرقان بزرگ در جریان است، در مورد تاریخ این رشته و نقش افرادی که در پیشرفت مطالعات ایران‌شناسی دخیل بوده‌اند، کارهای اندکی انجام شده است. بنابراین انتشار این نامه‌ها تلاشی است برای برداشتن نخستین گام‌ها در این راستا.

در ابتدا، من مسئولیت خواندن نامه‌ها را بر عهده گرفتم و باید اعتراف کنم در بسیاری از موارد مجبور به رمزگشایی از آنها بودم. علت این بود که مشغول کار بر روی تصاویری از اسناد اصلی بودم که بیش از نیم قرن پیش نوشته شده بودند

و جوهر این اسناد تا حدودی از میان رفته بود. بیشتر نامه‌ها با دست نوشته شده و خواندن آنها دشوار بود و بعضی از آنها ناقص بود و من مجموعه‌ای کامل از نامه‌نگاری‌های این دو نفر را در اختیار نداشتم. خواندن برخی کلمات برایم مقدور نبود، اما معتقدم که در طول این پنج سال که وقت خود را صرف خواندن و بازخوانی آنها کرده‌ام، به بهترین شکل ممکن بازنویسی شده‌اند. در نهایت، آن دسته از کلماتی که قابل خواندن نبود به این شکل [...] آورده شده است.

اگرچه در برخی مواقع روند رمزگشایی این نامه‌ها طاقت‌فرسا به نظر می‌رسید، گاهی اجمالی به ذهنیت این دو نفر و داستان‌های مربوط به شخصیت متفاوت آنها باعث ارزشمند شدن کار می‌شد.

زمانی که تحصیلاتم را در دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس (UCLA) به پایان رساندم، فقط از طریق استاد خود، هانس پیتر اشمیت^۱، برخی از داستان‌های مربوط به ایران‌شناسان بزرگ را شنیده بودم. از میان کسانی که در این نامه‌ها از آنها یاد شده است، تنها استادان احسان یارشاطر و ریچارد نلسون فرای^۲ را شخصاً می‌شناختم. در نتیجه، خواندن درباره این بزرگان که در آن زمان به تازگی کار خود را آغاز کرده بودند، تجربه‌ای همچون کشف و شهود بود.

در ویرایش نامه‌ها، سعی کرده‌ام به مطالب و مقالاتی که هنینگ و تقی‌زاده در مورد آنها بحث کرده‌اند، ارجاع دهم و همچنین برای افراد و موضوعات مورد بحث در نامه‌ها، نمایه‌ای فراهم آورده‌ام. هنگام خواندن این نامه‌ها، گفتگوهای زیادی داشتم و از استاد و دوست خود، هانس پیتر اشمیت، تقاضای راهنمایی کردم. او نیز از سر لطف، وقت خود را صرف این موضوع

1. Hanns Peter Schmidt.

2. Richard Nelson Frye.

کرد و نگاه مرا در مورد تاریخ ایران‌شناسان نسل پیشین که دیگر با ما نیستند یا در پایان دورهٔ پر بار کاری خود هستند، وسعت بخشید. همچنین دوستانم، افشین مرعشی، چند کلمه را رمزگشایی کرد که در زمان خواندن بسیار ساده به نظر رسیدند، اما حقیقت آن بود که مرا دچار زحمت فراوان کرده بودند. خداداد رضاخانی نقش مهمی در خواندن و تصحیح نسخهٔ دستنویس داشت. خانم پانته‌آرنجبر محمدی در تصحیح و تهیهٔ نامه‌ها نقش اساسی ایفا کرد. آقای نادر مطلبی کاشانی، سردبیر مجلهٔ نامهٔ بهارستان (مجلهٔ بین‌المللی مطالعات و تحقیقات نسخه‌های خطی)، نسخهٔ پیش از چاپ را با سخاوت تهیه و انتشار آن را امکان‌پذیر کرد. در پایان مایلم تا از ایرج افشار تشکر کنم که با درخواست همکاری در این پروژه، سبب‌ساز دوستی نزدیکی در لس‌آنجلس و تهران شده است. این برای من هم لذتبخش و هم مایهٔ افتخار بوده است. باشد که در آینده افرادی مانند تقی‌زاده در ایران ظهور کنند که در ترویج فرهنگ این سرزمین کهن بکوشند، درست همانند او که بیش از نیم قرن پیش این کار را انجام داده است.

تویج دریایی

دانشگاه کالیفرنیا، ارواین

گاه‌نگار زندگانی والتر برونو هنینگ

تولد در راگنیت، پروس شرقی.	۲۶ اوت ۱۹۰۸
دستیار در تهیه فهرست لغات حدیث اسلامی در دانشگاه لایدن.	۱۹۳۰
دکتری با گرایش در زبان‌های ایرانی از دانشگاه گوتینگن.	۱۹۳۱
ویراستار انتشار نسخه‌های خطی مانوی در آکادمی علوم پروس (برلین).	۱۹۳۲
عضو آکادمی علوم آلمان (برلین).	۱۹۳۲
انتشار اولین کتاب تحت عنوان افعال فارسی میانه در متون ترفانی.	۱۹۳۳
دانشیار دانشگاه لندن (مدرسه مطالعات شرقی).	۱۹۳۶
ازدواج با ماریا پولوتسکی.	۱۹۳۷
تولد تنها فرزندش به نام آنه هنینگ.	۱۹۳۸
ارتقا به درجه استادی «مطالعات آسیای میانه» در دانشگاه لندن.	۱۹۴۸
سفر به ایران (با حمایت مالی حسن تقی‌زاده) و به دعوت دولت ایران برای نسخه‌برداری و خواندن کتیبه پهلوی سرمشهد (فارس).	۱۹۵۰
عضویت در آکادمی بریتانیا، همکاری در تأسیس «مجموعه کتیبه‌های ایرانی».	۱۹۵۴
رئیس گروه مطالعات خاور نزدیک در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی.	۱۹۵۸
دعوت به کرسی استادی مطالعات ایرانی در دانشگاه برکلی.	۱۹۶۱
عضویت در مؤسسه مطالعات پیشرفته، پرینستون (ایالات متحده آمریکا).	۱۹۶۱
عضویت در آکادمی سلطنتی دانمارک.	۱۹۶۱
درگذشت در بیمارستان، برکلی (آمریکا).	هشتم ژانویه ۱۹۶۷

گاه‌نگار زندگانی سید حسن تقی‌زاده

- ۲۷ سپتامبر ۱۸۷۸ (= ۱۲۵۵) تولد در تبریز.
- ۱۸۹۶-۱۸۹۷ (= ۱۳۱۴) تأسیس مدرسه تربیت و یک کتابفروشی به همراه دوستش؛
و سپس افتتاح یک داروخانه.
- ۱۸۹۸-۱۸۹۹ (= ۱۳۱۶) تدریس فیزیک در مدرسه‌های لقمانیه و معلم‌خانه در
تبریز، ترجمه کتاب عجایب آسمانی اثر کامیل فلاوریون.
- ۱۸۹۹-۱۹۰۱ (= ۱۳۱۷-۱۳۱۸) آموختن زبان انگلیسی در مدرسه آمریکایی تبریز.
- ۱۹۰۲-۱۹۰۴ (= ۱۳۲۰-۱۳۲۱) راه‌اندازی و انتشار مجله‌ای تحت عنوان گنجینه فنون به
همراهی دوستانش.
- ۱۹۰۴-۱۹۰۵ (= ۱۳۲۲) ترجمه کتاب بیست‌هزار فرسنگ زیر دریا اثر ژول ورن.
سفر به مصر، ترکیه و قفقاز.
- اکتبر ۱۹۰۵ بازگشت از خارج و ورود به تبریز و اقامت ۱۰ ماهه در
آنجا (شعبان ۱۳۲۳)؛ انتشار تحقیق احوال کنونی ایران یا
محاکمات تاریخی در تبریز.
- اکتبر ۱۹۰۶ ورود به تهران و انتشار مقالاتی در ندای وطن.
- ۸ دسامبر ۱۹۰۶ انتخاب به عنوان نماینده تبریز در جریان اولین انتخابات
مجلس و انتشار مقالات در صوراسرافیل و مواسات.
- ۱۹۰۸-۱۹۰۹ (= ۱۳۲۶) تبعید به دستور محمدعلی شاه؛ اقامت در انگلیس و
فرانسه و چند ماه کار در کتابخانه دانشگاه کمبریج.
- ۱۹۰۹ (= اواخر ۱۳۲۶) بازگشت از اروپا به تبریز.
- ژوئیه ۱۹۰۸ (= رجب ۱۳۲۷) ورود به تهران پس از فتح شهر به دست مجاهدین و
عضویت در دولت موقت.
- نوامبر ۱۹۰۹ نمایندگی در مجلس دوم، ترک تهران پس از شش ماه به
دلایل سیاسی.

- فوریه ۱۹۱۱ ورود به استانبول از طریق ارزروم (اول ژانویه ۱۹۱۰، میانه صفر ۱۳۲۹) و اقامت در استانبول به مدت ۱۸ ماه. تأسیس انجمن انتشارات در استانبول. شش ماه اقامت در انگلستان. ۱۹۱۱ (۱۳۲۹)
- پاییز ۱۹۱۲ انتخاب به عنوان نماینده مجلس سوم، که البته در آن شرکت نکرد. ۱۹۱۱
- اواخر مه ۱۹۱۳ نقل مکان به نیویورک و ۱۹ ماه اقامت در آنجا. انتشار چهار مقاله سیاسی به زبان فرانسه، با امضای ناشناس، در مورد اوضاع سیاسی ایران، امپراتوری عثمانی و کشورهای عربی. ۱۹۱۳
- ۳۰ دسامبر ۱۹۱۴ سفر از آمریکا به آلمان از طریق هلند به دعوت دولت آلمان. ۱۹۱۵ ژانویه ۱۰
- ورود به برلین. انتشار مجله کاوه به مدت پنج سال و تأسیس کمیته ملی ایرانیان. ۱۹۱۵-۱۹۲۲
- سرپرست دانشجویان ایرانی در برلین؛ تأسیس انجمن ایران و آلمان؛ انتخاب در مجلس چهارم، که در آن شرکت نکرد. ۱۹۲۰-۱۹۲۱
- سفر به مسکو برای مذاکره در مورد معاهده‌ای از طرف دولت ایران و اقامت ۱۸ ماهه در آنجا. آوریل ۱۹۲۲ تا اوت ۱۹۲۳
- سفر به انگلستان برای مذاکره با دولت حزب کارگر از طرف دولت ایران. ژوئن ۱۹۲۴
- انتخاب در مجلس پنجم به نمایندگی از شهر تهران. ژوئن ۱۹۲۶

تواریخ میلادی و هجری شمسی

- ۱۹۲۲-۱۹۲۳ (۱۳۰۱) عضویت در شورای مؤسسان انجمن آثار ملی.
- ۱۹۲۶-۱۹۲۷ (۱۳۰۴) عضویت در کمیسیون فرهنگی.
- ۲۰ آوریل ۱۹۲۶ سفر به آمریکا و اقامت ۷ ماهه در آنجا به عنوان نماینده ایران در نمایشگاه فیلادلفیا.
- ۱۰ ژوئیه ۱۹۲۶ نماینده مجلس ششم؛ مشارکت در تأسیس کتابخانه پارلمان.
- ۱۹۲۸-۱۹۲۹ (۱۳۰۷) والی خراسان.
- ۱۳ ژوئیه ۱۹۲۹ تا ۳۰ مارس ۱۹۲۹ سفیر ایران در لندن.
- ۱۷ آوریل ۱۹۳۰ تا ۵ اوت ۱۹۳۰ وزیر طرق و شوارع.
- ۶ اوت ۱۹۳۰ تا ۱۲ سپتامبر ۱۹۳۰ وزیر مالیه.
- ۴ نوامبر ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵ سفیر ایران در پاریس.
- ۱۹۳۵ نماینده ایرانی در همایش بین‌المللی مستشرقان در رم (پاییز ۱۳۱۴).
- ۹ ژانویه ۱۹۳۶ سفر به لندن جهت تدریس در مدرسه مطالعات شرقی لندن و برای مدت کوتاهی در دانشگاه کمبریج.
- ۳۱ ژانویه ۱۹۳۷ سفیر ایران در برلین.
- ۲۷ اکتبر ۱۹۴۱ تا ۲۱ ژوئیه ۱۹۴۷ سفیر ایران در لندن؛ سرپرست هیئت ایرانی در سازمان ملل.
- ۱۹۴۲-۱۹۴۳ (۱۳۲۱) دعوت به وزارت دارایی در دولت احمد قوام و ردّ این منصب.
- ۲ اوت ۱۹۴۷ عضو مجلس سنای پانزدهم از تبریز؛ رئیس هیئت ایران در کنگره شرق‌شناسی (کمبریج)؛ رئیس هیئت ایرانی در کنگره ابن سینا (بغداد)؛ رئیس کنگره بین‌المللی ابن سینا.
- ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۰ عضو مجلس سنای ایران.

- ۱۰ آوریل ۱۹۵۰ سخنگوی مجلس سنای ایران.
- ۱۹۵۰-۱۹۵۱ (۱۳۲۹) تأسیس کتابخانه مجلس سنا.
- ۱۹۵۴-۱۹۵۵ (۱۳۳۳) مشاور علمی و عضو هیئت‌مدیره انتشارات بنگاه ترجمه و نشر.
- ۱۹۵۷-۱۹۵۸ رئیس هیئت ایرانی در کنفرانس شرق‌شناسی (مونیخ)؛ سفر به آمریکا جهت تدریس در کرسی ایران‌شناسی کورکیان در دانشگاه کلمبیا (۷ ماه).
- ۱۹۵۸-۱۹۵۹ (۱۳۳۷) عضویت در هیئت مشاوران مجله راهنمای کتاب.
- ۱۹۵۸-۱۹۶۷ (۱۳۳۷-۱۳۴۵) رئیس انجمن فلسفه و انسان‌شناسی.
- ۱۹۶۶-۱۹۶۷ (۱۳۴۵) رئیس نخستین انجمن ایران‌شناسی (تهران).
- ۲۹ ژانویه ۱۹۷۰ (۸ بهمن ۱۳۴۸) درگذشت.

بخش نخست

نامه‌های هنینگ

۱۷ ژوئیه ۱۹۳۷ تا ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۶

(شامل ۸۷ نامه)

جناب تقی زاده عزیز،

از اینکه پیش تر پاسخ نامه شما را ندادم، متأسفم؛ گمان نمی کردم این موضوع فوریت داشته باشد و در ضمن، حال شخصی بنده نیز چندان مساعد نبود. من تاریخ سال های ۱۴ و ۱۵ را از مقاله پالیارو^۱ اخذ کردم که مشخصات آن به قرار زیر است:

“Preliminary Note on the Pehlevi Dipinti in the Dura Synagogue”, pp. 393-395 in: *Excavations at Dura-Europos, Report of Sixth Season (1932-33)*, New Haven, 1936.

تا آنجا که من می دانم این تنها مقاله ای است که از پالیارو در این باره منتشر شده است و تصور می کنم که این مقاله همان باشد که شما پیش نویسش را دیده اید. این احتمال وجود دارد که پالیارو نظر خود را درخصوص خوانش اعداد در لحظه آخر تغییر داده باشد. دست کم در نسخه چاپی مقاله او سال های ۱۴ و ۱۵ چاپ شده و چنین شرح داده است: «در مورد سال های ذکر شده، چون کنیسه تا پیش از سال ۲۴۵ میلادی ساخته نشده بوده (ص ۳۹۰، بالا)، طبیعی است که این ارقام را سال های سلطنت یک پادشاه ساسانی، یعنی شاپور اول، تلقی کنیم که در سال ۲۴۱ میلادی به سلطنت رسید. اگر این توضیح منطبق با حقیقت باشد، تصاویر بزرگان ایرانی درست قبل از محاصره شهر دورا به دست ایرانیان در سال ۲۵۶ میلادی، در طی ده ماه اول ۲۵۵ میلادی، نقاشی شده است.» (ص ۳۹۴) با

1. Pagliaro.

این حال، ویراستار کتاب، احتمالاً راستاوتسلف^۱، پیشنهاد کرده است که مبدأ این سال تاریخ «دوران اشغال» دورا بوده که احتمالاً برابر با سال ۲۳۲ میلادی است، و به همین جهت، تاریخ واقعی دیوار نوشته‌ها ۲۴۵ و ۲۴۶ میلادی بوده است. اما به نظر می‌رسد که این نظر تنها راه‌حلی از سر ناچاری است.

فرض شما مبنی بر اینکه این تواریخ احتمالاً مربوط به زمان سلطنت اردشیر اول می‌شود صائب نیست، چرا که این کنیسه در زمان جانشین اردشیر ساخته شده است. با این حال، اگر راستش را بخواهید، من به خوانش پالیارو بسیار مشکوکم. یکی از دوستانم که امکان نسخه‌برداری از اصل کتیبه‌ها برایش فراهم بوده به من گفت که قرانت‌های پالیارو سراسر موهوم است و رونویسی او شباهت اندکی با اصل دارد.

بهرتر است مقاله شما به آدرس زیر ارسال شود:

Herrn Prof. Dr. P. Kahle,
Seminar für orientalische Sprachen,
Poppelsdorfer Allee 25,
Bonn a.Rh.

اگر تاریخ ارسال مقاله را به من بگویید، در همان زمان برای پروفیسور کاله^۲ نامه می‌نویسم و می‌گویم که آن را در اولین فرصت منتشر کند. اگر می‌خواهید من پیش‌نویس مقاله را بخوانم، با کمال میل این کار را انجام می‌دهم.

با آرزوی سلامتی برای شما.

ارادتمند شما،

W.B. Henning

۱۷ اوت ۱۹۳۹

جناب تقی‌زاده عزیز،

فکر می‌کنم تصحیح شما از آن پاره از اشعار فردوسی کاملاً مناسب است. نمی‌دانم قبلاً ... بوده است یا خیر، چرا که مطالب زیادی در خصوص «گور» تا کنون نوشته شده است.

اما در مورد شهرزور واقعی (به هر حال، ممکن است فردوسی اشتباهی مرتکب شده باشد، چرا که او در مورد جغرافیا نسبتاً کم‌اطلاع بوده است)، این نام احتمالاً در اصل سیه رزور بوده به معنای «جنگل سیاه»، چنانکه در لاتینی نام آن *Siarsura* بوده و در سریانی سیرزور (ܣܝܪܘܪ) و در پهلوی (𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮) *Siyah-rāzur-īg* به معنای «سیه رزوری» در متن «خسرو و ریگ» (بند ۵۳، ویرایش اونولا به کلی اشتباه است).^۲ برای عبارت متن کارنامه بنگرید به کتاب شهرستان‌های ایران‌شهر مارکوارت^۳ ص ۲۵. برای صورت سریانی بنگرید به کتاب گسترش مسیحیت در آسیا اثر زاخانوف،^۴ ص ۵۷. مینورسکی^۵ در تصحیح حدود العالم (ص ۳۸۳) به آثار زیر اشاره کرده است:

۱. در بالای نامه نوشته شده است:

5/13, Northwood Hall, Hornsey Lane, Highgate, N 6

2. J.M. Unvala, *The Pahlavi Text 'King Husrav and His Boy'*, Paris, 1924. (T.D.).

3. Markwart.

4. J. Markwart, *A Catalogue of the Provincial Capitals of Erānshahr*, Pahlavi Text, Version and Commentary, ed. G. Messina, Rome, 1931. (T.D.).

5. Sachau.

6. Minorsky.

Markwart, Südarmeria, 558, & Herzfeld, *AMI*, II, 73, sq.¹

نمی‌دانم کدام یک از مقالات آندرناس^۲ در پاولی - ویسوا به نام این محل اشاره دارد، اما احتمالاً مینورسکی در مقاله در دست چاپش در دانشنامه اسلام ذیل مدخل "Shehrizūr" به آن ارجاع داده است؟^۳

در مورد اردشیر، پسر اردشیر اول، اگر منظور تان اردشیر کرمانشاه است، از وی در کتیبه شاپور اول در کعبه زردشت نام برده شده است و بر طبق آن کتیبه، وی همچنان در زمان شاپور و هنگام نقر کتیبه، یعنی حدود سال ۲۶۲ میلادی، در مقام خود باقی بوده است. من در مقاله خود در یادنامه جکسون در این خصوص بحث کرده‌ام.^۴

از شما بابت تمام زحماتی که بابت کاشغری^۵ متحمل شدید، سپاسگزارم.

با احترام،

ارادتمند شما،

W.B. Hanning

* برای فهرست کامل مقالات آندرناس در پاولی - ویسوا بنگرید به:

Festschrift Friedrich Carl Andreas, ... d[...], Leipzig, 1916, pp. 138/9.

1. E. Herzfeld, "Zarathustra, V: Awestische Topographie", *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, vol. 2, 1930, pp. 49-98. (T.D.).

2. Andreas.

۳. در متن نامه‌های هنینگ (و در نامه‌های تقی‌زاده نیز یک مورد) جمله‌ای خبری برای نشان دادن تردید به علامت سؤال ختم شده است. در ترجمه، این موارد به همین صورت حفظ شد.

4. "Notes on the Great Inscriptions of Sapur I," *Prof. Jackson Memorial Volume*, Bombay, 1954, pp. 40-54. (T.D.).

۵. منظور کتاب دیوان لغات الترق اثر محمود بن حسین بن محمد کاشغری است. (م.)

۶. در متن چنین است.

۲ اکتبر ۱۹۴۱

به طور اتفاقی متوجه شدم که بوسوبر (تاریخ، جلد اول، ص ۱۲۹) تاریخ مرگ مانی را در مارس سال ۲۷۷ قرار داده است.^۱ در حقیقت، او این نظر خود را بر مبنای همزمانی مذکور در روایت اوسیوس^۲ که آن را به شکل کامل نقل کرده (ص ۱۲۲، شماره ۲: سال دوم پروبوس، سال ۵۸۸ از [...] و غیره) و برخی شواهد دیگر در منابع یونانی و لاتین (صص ۱۲۲-۱۲۵) مطرح کرده است. کتاب بوسوبر اگرچه اینک ۲۰۰ سال از زمان نگارشش می گذرد، همچنان ارزش خواندن دارد. در این کتاب تمام اشارات موجود به مانویان در متون کلاسیک مورد بحث قرار گرفته است.

با احترام،

ارادتمند شما،

W.B. Hanning

1. de Beausobre, *Histoire critique de Manichée et du Manichéisme*, Amsterdam, 1734, 1739. (T.D.).

۲. تقی زاده در اینجا با خودکار چنین اضافه کرده است: ص ۶۸. (ایرج افشار)